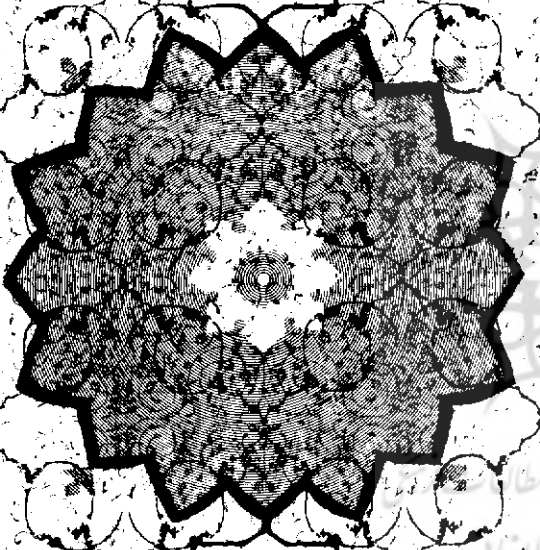


حکم استخدام صدر الممالک

در

آستان قدس رضوی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

از

سروان محمود احمدی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حکم استخدام صدر الممالک

در

آستان قدس رضوی

مقدمه :

این سند که بخط نستعلیق و نثری مسجع، توأم با آیات قرآن کریم و کلام شریف نبوی (ص) و جملاتی نغز ، از نهج البلاغه حضرت علی (ع) به رشته تحریر درآمده در شمار اسناد تاریخی نوع جالب و خاصی محسوب می شود . متن سند مربوط به مرحوم «میرزا نصراله صدر الممالک» است که از آستان قدس رضوی تقاضای استخدام نموده و بمصداق آیه کریمه «واما السائل فلاتنهر» تقاضای وی مورد پذیرش واقع شده و بسمت سرپرستی خدام آستانه مقدس مفتخر و مباهمی گردیده است و چون وی مسلک تصوف داشته بوسیله آیه شریفه «ووجدك ضالافهدي» از پیروی مسلک مزبور برحذر شده است .

اینک متن سند از نظر خوانندگان گرامی میگذرد :

هو الله

تعالی شأنه العزیز

وتقبل زیارة مولانا ان تصلى عليهم اجمعین

الرضا علیه السلم ، من زواره المکرمین

ماشاء الله لاقوة الا بالله

گلی که هر ورقش آبروی نه چمن است

نشان خاتم سلطان دین ابوالحسن است^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجمع علوم انسانی

آنکه از [ر]وزیکه ناظم دستور مشاهد مقدسه عالم لاهوت و حافظ قانون صوامع مؤسسه ملک و ملکوت که الله یخلق و مایشاء

۱- در قسمت بالای سند، ذیل نام خداوند متعال ، مهر ثلاثی ترنجی شکل آستان قدس رضوی با چهار گل مذهب و رنگین از چهار طرف تزئین گردیده و نشان دهنده عظمت و جلال حضرت ثامن الائمه امام رضا علیه السلام است که چون گوهری تابناک در سرآغاز نامه می درخشد و برای معرفی خاتم (مهر) آنحضرت این بیت شعر در داخل سمت راست و چپ مهر به چشم میخورد .

اذا قضی امرأ فانما یقول له کن فیکون^۲ . در یکزمان بدو حرف شگرف کاف و نون^۳ گنبد بیستون مقرنس کار سپهر بوقلمون و روضه زرنگار کارگاه انگلیون^۴ را بدون عمد و مدد از فیض زبیت زینت رتبت وجود وزیب بی‌ریب ، هستی و بود بخشوده و ادیم زمین از زمرد سبزه و یاقوت لاله و مروارید نسترن و نسیرین رنگین و مرغوله مجعد سنبل و ریاحین عنبر آگین شده ، سبحان الله درحقیقه قدرتش نرگس باآنکه همه چشم است درعین حیرانی و در گلشن فطرتش سوسن که تمام زبان است لال بی‌زبانی ، ظرف

۲- آیه شریفه مربوط باستغاثه حضرت مریم مادر عیسی (ع) درپیشگاه خداوند متعال است :

قالت رب انی یكون لی ولد ولم یمسسني بشر، قال كذلك الله یخلق ما یشاء اذا قضی امرأ فانما یقول له کن فیکون (گفت ای پروردگار من، ازکجا بوجود می‌آید برای من فرزندی (درحالیکه) هیچگاه انسانی بامن تماس نداشته است، ندا رسید) همچنانکه خداوند می‌آفریند آنچه را که بخواهد. هنگامیکه مشیتش بر امری قرار گیرد. اگر بگوید باش خواهد بود. (سوره آل عمران آیه ۴۲)

۳- کاف و نون = کن (باش) : اشاره به آیه شریفه : انما امره اذا اراد شیئاً ان یقول له کن فیکون (هنگامیکه مشیتش چیزی را بخواهد، اگر بگوید باش خواهد بود. (سوره یس آیه ۸۲ و همچنین آیه ۴۲ سوره آل عمران) .

بود کاف و نون برگی از دفترش بود آسمان طاقی از منظرش (همای و همایون خواجو کرمانی ص ۲۸۳ س ۱۸ تصحیح کمال عینی)
۴- انگلیون (بفتح اول و کسر سوم) : نام کتابی است منسوب بحضرت عیسی علیه‌السلام و معرب آن انجیل است. حکیم سنائی فرموده :

تا دم عیسی چلیپاگر شد اکنون بلبلان
بهر انگلیون سرائیدن بترسانی شدند

مینای رنگین غنچه ، از بحر شبنم حکمتش پر^۵ ، و بحر قطره از
اقطار نیسان رحمتش پردر، که تعطیل خیر، از خیر محض نقص کمال
قامت سرو رعنا، چون انگشت شهادت ، در شهادت وحدتش برهان
سلم و مرغوله سنبل مطرا ، در کنه ماهیتش چون مسئله دور
تسلسل مبهم و درهم .

مولوی معنوی گوید :

او بیان میکرد بایشان براز سر انگلیون و زنار دراز
و نیز نام کتاب مانی نقاش هم هست که نقاشیها و تصویرهای خوب در آن
ثبت نموده بود . در فرهنگ جهانگیری آمده که هر جا بانام حضرت عیسی و چلیپا
و زنار مذکور شود اراده از آن انجیل و هر جا بانقش و نگار و گل و لاله ، کتابمانی
نقاش است و در کشف المحجوب گوید که یونانیان هر چیز خوب و بسیار عجیب
را انگلیون گویند و در بیمارستان روم چیزی ساخته اند مثال رودی عجیب و در هفت
دو روز بیماران دارالشفای را به آنجا برند و آن رود را نوازند تا بیماران بشنیدن آن
قوت گیرند و آنرا انگلیون گویند و ظاهرا ارغنون باشد و آن ساز است بزرگ
ذوالفقار شروانی گفته :

خسروا من که بمدح تو نگار سخنم رشک ارتک شدو کارگه انگلیون
(آناندراج ص ۴۸۱)

۵- این جمله از شاهنامه فردوسی داستان حمله رفتن رستم باتهمینه دختر
شاه سمنگان اقتباس شده است :

چو ائباز او گشت یا او به راز نبود آن شب تیره تا دیر باز
ز شبنم شد آن غنچه تازه پر و یا حقه لعل پر شد ز در
یکام صدف قطره اندر چکید میانش یکی گوهر آمد پدید
بدانست رستم که او برگرفت تهمتن بدل مهرش اندر گرفت

(شاهنامه فردوسی ص ۸۵ س ۲۴ تصحیح مرحوم فروغی)

و فی کل شیئی له آیه^۶ تدل علی انه واحد .^۷

قادری که بید قدرت کامله از ثری تا به ثریا و از ماهی تا بمه و مافینهن و ما بینهن ، همه بضابطه محکم و رویه مبرم و دستور ستوده و قاعده آزموده ، از کتم عدم بعرضه وجود جلوه گر ساخت تا خود را که کنت کنزاً مخفیاً فاحسبت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف^۸ در میدان ظهور جلوه گر سازد ، نوع بشر که ولقد کسرنا بنی آدم . اکرم و اشرف مخلوقات و ارشد اولاد آبا و امهات اند ، در حین قویم احسن تقویم^۹ قدم ، قدم بعرضه شهود و صور کم فاحسن صورکم^{۱۰} نهاده ، از قابلیت جوهر قابل تکلیف و قایل بر بویبتش بکلمه طیبه لاله الا الله شده باین معنی :

۶- در تمام موجودات نشانه هائی است که خداوند ، یگانه است .

۷- من گنج پنهانی بودم . دوست داشتیم که شناخته شوم . پس آفریدم آدمی و موجودات را تا شناخته شوم .

۸- در این آیه شریفه پروردگار عالم بر آدمی منت گذارده که او را از سایر مخلوقات نیکوتر آفریده است : لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم (به تحقیق که ما آدمی را در نیکوترین وجه و صورتی آفریدیم . سوره التین آیه ۵)

۹- و نیز در این آیه شریفه اشاره به آفرینش زیباترین صورت آدمی و نعمتهائیکه خداوند بر او ارزانی داشته است : الله الذی جعل لکم الارض قراراً و السماء بناء و صورکم فاحسن صورکم و رزقکم من الطیبات ، ذالک الله ربکم فتبارک الله رب العالمین (خداوند ، زمین و آسمان را برای شما محل آرامش قرار داد و شما را در بهترین صورت آفرید و از غذا های پاکیزه روزی داد . پروردگار شما و جهانیان بزرگ است سوره مؤمن آیه ۶۶)

مع كل شیئی لابمقارنة باين عن كل شیئی لابمزایله^{۱۱}
 بمزید عنایت انا جعلناك خلیفة فی الارض^{۱۲}، اختصاص خلافت یافته،
 تشریف شریف خاتمیت و مهر مهر نبوت با شرف افراد کاینات و اخلص
 موجودات که بقرب لامکان، لی مع الله وقت لایسعی فیها ملک مقرب او نبی
 مرسل^{۱۳} فایز گشته تفویض شده و دین مبین متین خاتم المرسلین، ناسخ
 ادیان و پاسخ اخبار اخبار جنان بحنان اهل ایمان، نص اتم
 و ما ارسلناک^{۱۴} علت غائی، لولاک لما خلقت الافلاک^{۱۵}، فص خاتم

۱۰- مع كل شیئی لابمقارنة (خداوند با همه چیز است نه بطوریکه
 همانند و همسر آن باشد). باين عن كل شیئی لابمزایله (خداوند، جدا از همه
 چیز است نه بطوریکه از آن کناره گیری داشته باشد). این دو جمله از نهج البلاغه
 علی علیه السلام است که در جمله دوم: (و غیر کل شیئی لابمزایله) صحیح است
 (نهج البلاغه - ترجمه فیض الاسلام ص ۱۵).

۱۱- این آیه در احکام داوری بعدالت است: یاداود انا جعلناک خلیفة فی
 الارض فاحکم بین الناس بالحق... (ای داود، ماترا جانشین (بیمبران) قرار دادیم
 در روی زمین. پس بین مردم بدادگری و عدالت داوری نما... سوره ص آیه ۲۶)
 ۱۲- معنی سخن خاتم الانبیاء (ص): مرا با خدای یکتا، وقتی (اسراری)
 هست که راه نمی یابد به آن حال من، نه فرشته ویژه و نه پیامبر و فرستاده حق، یعنی
 به آن مقام کسی در این حال بمن نخواهد رسید.

چنانکه مولوی از زبان آنحضرت در خطاب بجبرئیل میفرمایند:

گفت جبرئیل پیر اندر پیم گفت رو رو من حریف تو نیم

(گلستان سعدی ص ۱۶۰ تصحیح دکتر خلیل خطیب رهبر)

۱۳- اشاره است به آیه شریفه: من یطعم الرسول فقد اطاع الله و من تولی فما
 ارسلناک علیهم حفیظاً (کسیکه اطاعت نماید از پیغمبر، بدرستی که اطاعت کرده
 است از خداوند، و کسانی که روی گردانند (از توای پیغمبر)، تورا نفرستادیم
 برای حفاظت و نگهداری آنها - سوره النساء آیه ۸۳).

۱۴- خطاب باری تعالی بسرور کائنات حضرت رسول (ص) است: لولاک
 لما خلقت الافلاک (ای محمد، اگر بخاطر تو نبود کائنات را نمی آفریدم).

ولكن رسول الله خاتم النبيين^{۱۵} ، رسول اكرم . انى لكم رسول امين^{۱۶}
پیغمبر كنت نبياً و آدم بين الماء و الطين^{۱۷} صاحب مقام قاب
قوسین اوادنى^{۱۸} ، فصیح کلام و ماينطق عن الهوى^{۱۹} مخبر صادق
ان هو الا وحى يوحى^{۲۰}، قائل قابل سبحان الذى اسرى^{۲۱} ، سرورى که
درة التاج لعمرک برسر، و سردارى که تیغ انانبى بالسيف برکمر،
بى خطى که خط نسخ، بخط و تعليق هفت قلم هفت ملت کشیده ،

۱۵- اشاره است به حقانیت رسالت حضرت محمد (ص) : ماكان محمد
ابا احدمن رجالکم ولكن رسول الله وخاتم النبيين وكان الله بكل شئى عليما (محمد
پدر هیچیک از مردان شما نیست ، بلکه پیغمبر خدا و ختم پیغمبران است و
خداوند بر همه چیز آگاه میباشد . سورة الاحزاب آیه ۴۱) .

۱۶- من برای شما پیغمبری امانت دار و پاکدل هستم .

۱۷- من پیغمبر بودم ، هنگامیکه هنوز حضرت آدم بین آب و گل بود
(خلق نشده بود) .

۱۸- اشاره است به معراج حضرت رسول (ص) در عالم لاهوت و ملکوت
و میزان قرب آن بزرگوار به اعلی علیین : فكان قاب قوسین اوادنى (فاصله قرب
آن بزرگوار) بقدر دوکمان یا نزدیکتر بود . (سورة النجم آیه ۱۰)

۱۹- سخن از روی هوای نفس نمیگوید (همان سورة آیه ۴) .

۲۰- مگر آنکه براو وحی شود (همان سورة آیه ۵) .

۲۱- دلالت صریح بر معراج حضرت رسول (ص) : سبحان الذى اسرى
بعده ليلا من المسجد الحرام الى المسجد الاقصا الذى باركنا حوله لئريه من آياتنا
انه هو السميع البصير (پاك و منزه است پروردگارى که بردبنده خود را شبانگاه
از مسجد الحرام بسوی مسجد اقصی و گسترش دادیم پیرامونش را تا بنمایانیم
به وی آیات و نشانه عظمت خود را، بدرستی که خداوند شنوا و بیناست .
سورة الاسراء آیه دوم)

امی که علم عالمیان علوم از رؤیت رویت رایت آیت درایتش سرنگون شده، آفتابی که ماه منیر، از اشاره انگشتش شق^{۲۲} و ماهتابی که در کف آفتاب نمونش سنگریزها در ذکر حق ان الله و ملائکته يصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیماً^{۲۳} کثیراً بشیراً مادامت السموات دایرة و الکواکب سایرة ، و وصی وفی ، و ولی رضی ، و شقیق شفیق او ، یعنی امام امم و نخبه نجبه اولاد آدم ، شاه ولایت ولایت، ماه مهرایت مهرایت ، پیش طاق شهرستان امامت ، بلند رواق کشور و صایت، گرامی خانزاد بیت الله ، باب باب انامدینه العلم و علی بابها^{۲۴} که بمنزله اخوت و مرتبت بنوت نبوت که یا علی انت منی بمنزله هرون من موسی^{۲۵} ، مخصوص گشته، اساس شریعة مطهره و ترصیص بنیان مقررہ بقانون مقررہ و ریاست عامه و ایالت تامه باوصیای اثنا عشر که بروج دوازده گانه اما متند مرصص و مؤسس شده که ،

۲۲- اشاره است به آیه شریفه : اقترب الساعة و انشق القمر (نزدیک شد قیامت و شکافته شد ماه (سوره القمر آیه ۲) . اکثر مفسرین گفته اند که آیه شریفه وقتی نازل شد که قریش از آنحضرت معجزه طلب کردند . حضرت با انگشت اشاره به ماه کردند ، بقدرت الهی ماه بدونیم شد . (حق الیقین ص ۲۷ - تالیف مرحوم مجلسی) .

۲۳- بدرستی که خداوند و فرشتگانش درود میفرستند بر پیغمبر (اسلام) ای کسانی که ایمان آورده اید درود بفرستید بر او و سلام کنید از روی میل و اطاعت (سوره احزاب - آیه ۵۶) .

۲۴- من شهر دانش و علم هستم و علی دروازه آن است (کلام نبوی) .

۲۵- یا علی تو در نزد من مقامی را دارا هستی که هارون در برابر موسی داشت.

مثل اهل بیته کمثل سفینه نوح من ركب فیها نجوی^{۲۶} ، ملاح کشتی شکستگان بحار معصیت و شفعاى مجرمان امت و ائمه دین و هداة راه یقین و حماة^{۲۷} حوزة مسلمین و کماة^{۲۸} حومه پیروان سید المرسلین و کواكب بروج امامت و لالی درج هدايت و ارومه خاندان جلالت و جرثومه دودمان نبالتند ، علی ارواحهم یواقیت الصلوة فی مواقیت الصلوة مادامت الشمس منیرا والقمر مستنیراً^{۲۹} آوازة لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً^{۳۰} در نه طاق و رواق گردون و فضای دهر بوقلمون بلند ساخته تا گم گشتگان وادی غوایت^{۳۱} و ضلالت، دست ارادت بعروة الوثقی^{۳۲} و سینلت این سلسله علیه زده ببرکت فیوضات خدمت و قبول اطاعت

۲۳- مثل خاندان من ، مانند کشتی نوح است ، کسی که برآن سوار شد ، رستگار میگردد . (منظور حضرت آنست که : کسی که برخاندان من پناه برد رستگار میگردد) .

۲۷- حماة (بهضم اول) جمع حامی .

۲۸- کماة (بهضم اول) بمعنی دلاوران و سپاهیان .

۲۹- بروان آنان درود باد ، هنگام نماز و نیایش ، تازمانی که آفتاب نور می افشاند و ماه روشن است .

۳۰- آیه شریفه در شأن خاندان پیغمبرگرامی و عصمت و پاکیزگی آنان نازل شده است : (... انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً (خداوند میخواهد که دور کند پلیدیها را از شما خاندان پیغمبر خدا - سورة الاحزاب آیه ۳۳) .

۳۱- غوایت (بفتح اول) : گمراهی ، زیانکاری .

۳۲- عروة الوثقی : دست آویز محکم ، دستگیره محکم : فقد استمسک بالعروة الوثقی لانقسام لها (بدستگیره محکم دست میزند که هیچگاه گسیخته یا جدا نمیکردد . سورة بقره آیه ۲۵۸) .

زده ، راه بسرمنزل سعادت و عنایت برده از این عقاب و مخاوف ایمن گردد . لهذا بحکم محکم ربانی و امر مستحکم سبحانه ، بمضمون کریمه و وجدك ضالا فهدی^{۳۳} .

جناب فطانت و متانت مآب ، فضیلت و کمالات اکتساب ، صداقت و ارادت نصاب ، مریدطریقه شریعه مقدس نبوی صلی الله علیه و آله ، فیض یاب آستانه منوره رضوی ، عمده الاشراف والنجباء العظام ، معتمدالدولة العلیة الاسلام ، میرزا نصرالله صدرالممالک^{۳۴} ،

۳۳- خداوند ، تراگمراه یافت ، پس هدایت کرد ترا (سوره الضحی آیه ۸) .
 ۳۴- مرحوم میرزا نصراله صدرالممالک ، اصلش از اردبیل بود . از آغاز جوانی برای تحصیل دانش باصفهان رفت . علوم عقلی و نقلی را فراگرفت . پس از کسب کمالات صوری ، طالب فضایل معنوی گردید . به عراق ، فارس ، کرمان ، آذربایجان و خراسان مسافرت نمود و به صحبت بسیاری از علماء و عرفای وقت رسید . سرانجام در اصفهان خدمت قطب الموحدین حسینعلی شاه (از اقطاب سلسله نعمت اللهی) قدس الله سره رسید و تسلیم وی شد و به شرف توبه و تلقین و ارشاد مفتخر گردید و در طریقت ملقب به «ناصرعلی» شد . در آن ایام که جناب صدرالممالک به علت ورود در دایره فقر ، مورد ایذاء منکرین اهل یقین قرار گرفته بود و از هر طریق اهل ظاهر عوام کالانعام ، زبان به طعن و تشنیع آن بزرگوار گشوده بودند ، نایب السلطنه «عباس میرزا» جنابش را برای تعلیم فرزند ارجمندش «محمد میرزا» به تبریز تکلیف نمود آن بزرگوار بنا بر اضطرار و مصلحت کار ، این امر را قبول فرمود و به تعلیم و تربیت امیرزاده مشغول گشت . چون شاهزاده به سلطنت رسید ، جناب میرزا را به وزارت و صدارت عظمی دعوت نمود . از آنجا که ذوق فقر مانع وزارت بود نپذیرفت ، لاجرم لقب «صدارت ممالک» و تربیت علما و فقرا بروی مقرر شد و کار وزارت کبری به جناب «حاج میرزا آقاسی» محول گردید . در مراجعت از تبریز به اردبیل بالقب «صدرالممالک» علما و مردمی که او را صوفی و نجس ! میخواندند به استقبال و دست بوسیش شتافتند . جناب صدر از آنان می پرسد : «مطهرات را بشمارید» آنان اطاعت امر می کنند . میفرماید یکی را کم گفتید عرض میکنند کدام است ؟ می گوید : «یکی از مطهرات منصب صدارت است»

زادالله توفیقاته.

این اوقات از مباشرین امور سرکار فیض آثار رضوی ، مستدعی شروع در خدمتی از خدمات گردید . بحکم ، اما السائل فلاتنهر^{۳۵} ، مقرر شد که از ابتداء هذه السنه پیچی نیل و مابعدها ، بشغل جلیل و خدمت نبیل فراشی روضه متبرکه درکشک چهارم مشرف و مباحی و درسلك خدام ذوی الاحترام سرکار منسلک بوده بصفای عقیدت و صدق نیت خدماتی که متعلق باوست اقدام نموده تعطیل و تهاون نورزد و از برکت خاندان نبوت که در اطاعت حضرت عزت جل شأنه شامل است بفحوای ، انی لااضیع عمل عامل

که بزعم شما صوفی نجس دیروزی را ، امروز مطهر کرده است و شما برای تیمن و تبرک دست او را بوسه میزنید !

جناب صدرالممالک مدت چهارده سال متصدی اموروظایف خلائق وارشاد بود و نواب بهر دیار فرستاد و در این مقام مجاهدت بسیار نمود ، چون محمدشاه درگذشت و میرزا تقی خان فراهانی ، صدراعظم گشت ، صدرالممالک را به علل سیاسی به عراق عرب (سال ۱۲۶۴ هجری قمری) و به قولی از قم به کرمانشاه تبعید کرد .

جناب صدر در اواخر عمر ، مورد توجه ناصرالدینشاه قرار گرفت ، دستور رفع تبعید او را از عراق عرب صادر کرد . آنجناب در راه مراجعت ، در کرمانشاه در ششم محرم سال ۱۲۷۱ هجری قمری وفات یافت و یا بقولی (بدستور اتابک مسموم شد) و جنازه او را به کربلای معلای عودت دادند و در یکی از حجره های مسجدی که خود ساخته بود مدفون کردند . از صدرالممالک دو اثر باقی مانده است :

(۱) رساله اعتقادیه : بوسیله مریدان جمع آوری و تدوین شده است .

(۲) دیوان صدرالممالک اردبیلی : دیوان اشعار عرفانی آمرحوم است و

در شعر به «نصرت» تخلص دارد .

(مقدمه دیوان صدرالممالک اردبیلی - تصحیح دکتر جواد نوربخش)

۳۵- سائل و نیازمند را از خود مران و آزار مده (سوره الضحی آیه ۱۱) .

منکم من ذکر او انثی^{۳۶}؛ با جرمیل و جزای جزیل فائز و بهره مند خواهد گردید.

مقرر آنکه جناب مستطاب حمیده و مرضیه آداب، خلاصه السادات الاطیاب، متولی جلیل الشأن و باقی عمال خجسته اعمال سرکار فیض نشان جناب معزی الیه در کشک چهارم فراش دانسته، نسبت او را در اینخصوص مشوب بتغییر و تبدیل دانند و بر حسب فقرات مسطورۀ مذکوره، مرتب و معمول داشته در عمده شناسند. تحریراً فی شهر شعبان المعظم سنۀ ۱۲۵۲

نیز در پشت نامه نظریه ای بشرح زیر با سواد دو عدد مهر دیده میشود:

بتاریخ شهر شعبان المعظم سنۀ ۱۲۵۲

جناب عالی صدر الممالک دامت عزته داخل خراسان و الاشان کشیک رابع گردید.

۱- سواد مهر: الراجی محمد تقی الحسینی

۲- سواد مهر: لایقراً

پرتال جامع علوم انسانی

۳۶- من ضایع نمیکنم بهره کار و زحمت هیچیک از شما مردان یازنان را.
(سوره آل عمران آیه ۱۹۴)

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی